

مسئولیت مدنی سردفتر اسناد رسمی (بخش هشتم)

ناصر نایبی^۱

عدم‌النفع در حقوق موضوع ایران

با توجه به دلالت تصریحی اصل ۱۶۶ قانون اساسی که مقرر داشته احکام دادگاهها بایستی مستدل و مستند به مواد قانون باشد و حکم به جبران خسارت عدم‌النفع نیز از این قاعده خارج نیست لذا مواد قانونی مستند حکم عدم‌النفع را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا منشأ و کیفیت ایجاد موضوع عدم‌النفع معلوم گردد.

بنا به واقع جبران خسارت عدم‌النفع در غالب سیستم‌های حقوقی معتبر جهانی لازم شناخته شده و در حقیقت یک تأسیس حقوقی معتبر می‌باشد. در حقوق موضوعه ایران نیز تا قبل از تصویب قانون آئین دادرسی مدنی (سابق) در خصوص اخذ خسارت بابت ضرری که منجر به تفویض منفعت گردیده است نصّ قانونی خاصی وجود نداشت چنانکه بعضی از حقوقدانان قانون مدنی را به جهت این که از کنار موضوع تا حدودی با اجمال یا سکوت گذشته برای حل مسائل مربوط به خسارت عدم‌النفع غیرکافی و ناقص دانسته‌اند^۲ اما در بین متون مختلف قانونی مواردی که تلویحاً نسبت به مورد قابلیت شمول داشته و به نوعی جبران ضرر عدم‌النفع را افاده می‌نماید مشهود می‌باشد از قبیل:

۱. سردفتر اسناد رسمی ۲۲۱ تهران، عضو هیأت تحریریه مجله کانون و کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

۲. دکتر مهدی شهیدی، سقوط تعهدات، ص ۴۱ تا ۴۵.

۱ - شق ۱۵ از مادهٔ واحدهٔ قانون متمم دیوان کیفر کارکنان دولت مصوب آبانماه ۱۳۰۸ دائر بر اینکه مستخدمینی که مورد تعقیب واقع شده و پس از رسیدگی نسبت به آنها قرار منع تعقیب یا حکم قطعی تبرئه صادر گردیده، حقوق، مدتی را که به واسطهٔ تعقیب نگرفته‌اند دریافت خواهند کرد که این فقره، حکم یکی از مصادیق عدم‌النفع را بیان کرده است و محاکم نیز با استفاده از وحدت ملاک آن، عدم‌النفع را در حکم صادره منظور می‌داشتند. لیکن این ماده نیز در ارتباط با مستخدمین دولت حکم لازم را مقرر داشته و در ارتباط با افراد دیگر سکوت دارد مگر اینکه برای جبران خسارت عدم‌النفع ناشی از توقیف بلاجهت افرادی که در استخدام دولت نیستند از ملاک این ماده استفاده کرد و به قواعد کلی تسبیب استناد جست چنانکه رأی شمارهٔ ۳ مورخ ۱۳۲۸/۱/۶ شعبهٔ سوم دیوان عالی کشور چنین مقرر داشته است: «خسارتی که به عنوان تضییع از توقیف در زندان و عدم استفاده از شغل... مطالبه می‌شود دعوی اصلی محسوب است و مثل سایر دعاوی راجع به ضمانات قهری است».

با توجه به حکم این ماده می‌توان گفت که به طریق اولی در صورت حبس دیگران بدون مجوز (که جرم می‌باشد) باید خسارات ناشی از تفویض اجور کسب و کار نیز به عنوان خسارات ناشی از جرم به شخص زیان دیده پرداخت شود.

متعاقب تصویب قانون آئین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ و حساسیت مقنن در توسعهٔ دامنهٔ مسئولیت مدنی افراد به موجب مادهٔ ۷۲۸ این قانون صراحتاً عدم‌النفع ناشی از اجرای تعهدات را ضرر تلقی کرد و چنان که قسمت اخیر مادهٔ مذکور اشعار داشته «ضرر ممکن است به واسطهٔ از بین رفتن مالی باشد یا به واسطهٔ فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است» این ماده در دعاوی مربوط به قراردادهای و تعهدات که متعهد از انجام تعهد خودداری کرده است و از این بابت خسارت عدم‌النفعی به متعهدله وارد شده است می‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد.

۲ - مادهٔ ۳۷ قانون تسریع محاکمات مبنی بر دعاوی که موضوع آن استرداد عین بوده و مدعی مطالبه اجرت‌المثل و خسارت ناشی از تنزل قیمت نماید و نیز در مواردی که موضوع دعوی وجه نقد نیست محکمه میزان خسارت را پس از محاکمه رسیدگی و معین می‌نماید.

این ماده شامل خسارتهای وارده اعم از ضرر مثبت و بطور ضمنی عدم‌النفع می‌شد اما از عدم‌النفع صریحاً سخن به میان نیاورده و فقط از خسارت ناشی از تنزل قیمت که مصداقی از عدم‌النفع می‌باشد سخن گفته است.

۳ - ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب سال ۱۳۱۰ که اشعار داشته در دعاوی مربوط به اختراعات و علائم تجاری خسارت را شامل ضررهای وارده و منفعی می‌دانست که طرف از آن محروم شده است و شاید بتوان گفت که این قانون اولین قانونی بود که بطور صریح خسارت عدم‌النفع را قابل جبران می‌دانست.

در مورد مبنای شرعی این ماده و جمله اخیر آن در مورد عدم‌النفع طبق شرح مرحوم دکتر متین‌دفتری در کتاب آئین دادرسی مدنی و بازرگانی خود نظر فقیه بزرگوار حاج میرزا حبیب‌الله رشتی در کتاب غصب است.^۱

اما باید گفت که این تصریح فقط شامل عدم‌النفع ناشی از عدم اجرای تعهدات می‌باشد و در مورد دیگر انواع عدم‌النفع ساکت است. به نظر می‌رسد علت این امر نظرات مخالفی است که مشهور فقها در خصوص عدم‌النفع اظهار داشته‌اند.

چنانکه گفته شد در قوانین ایران تا قبل از تصویب قانون آئین دادرسی مدنی که صراحتاً عدم‌النفع را ضرر شمرده و جبران خسارت ناشی از آن را لازم دانسته نص صریحی در خصوص عدم‌النفع وجود نداشت و محاکم از قواعد متفرقه‌ای که اجمالاً بدان اشاره شد در باب مصادیق مختلف عدم‌النفع استفاده می‌کردند اما با تصویب قانون مزبور که تصریحاً تفویض منفعت را ضرر تلقی کرده و توسعه دایره شمول مقررات مربوط به قابلیت مطالبه خسارات عدم‌النفع ناشی از محرومیت شغلی و خسارات معنوی با تصویب قوانینی از قبیل ماده ۱۹ قانون اصلاحی قانون جزا مصوب تیرماه ۱۳۲۸ و ماده ۹ قانون اصلاحی آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۵۵ و قانون مسؤولیت‌های مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ مستندات متعددی در حقوق موضوعه ایران جهت جبران خسارت عدم‌النفع برقرار گردید.

علاوه بر قانون آئین دادرسی مدنی، ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری مزبور نیز

متعرض این معنا گردیده و در شرح موارد ضرر و زیانی که قابل مطالبه است مقرر داشته:

- ۱ - ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است
- ۲ - ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات

روحی

- ۳ - منافی که ممکن‌الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود.

باید توجه داشت مراد از منافع ممکن‌الحصول مذکور در این ماده منافی است که در زمان وقوع جرم منشأ حقوقی داشته و مدعی خصوصی از آن محروم شده است.^۱ به هر حال در دعاوی کیفری، زیان‌دیده از جرم به استناد این ماده می‌تواند خسارت عدم‌النفع خود را مطالبه نماید. بنابراین در مواردی که ارتکاب جرم باعث از بین رفتن مال نشود بلکه سبب ایجاد نقص و عیبی در آن شود نیز مجرم باید از عهده نقص قیمت و یا هزینه‌های مربوط به ترمیم برآید.^۲

مضمون بند ۳ ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری در بند دوم از ماده ۹ قانون اخیرالتصویب آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز آورده شده است لذا همچنان می‌توان منافع ممکن‌الحصول را که حصول آن مسلم و محقق باشد و در اثر ارتکاب جرم تقویت گردیده را از عامل زیان مطالبه نمود.

قانون مسؤولیت‌های مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز طی مواد متعددی جبران کلیه خساراتی را که اشخاص بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتمی یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده وارد نمایند و یا آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده به نحوی که در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده را مسؤول کلیه خسارات مزبور اعم از مادی یا معنوی دانسته است. مورد اخیر که در ماده پنج قانون مزبور آورده شده است حکم عدم‌النفع ناشی از تجاوزات جسمی را بیان می‌دارد و منفعتی را که شخص زیان‌دیده

۱. دکتر محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، دائرةالمعارف حقوقی، ج ۲، ص ۱۶۷، چ اول.

می‌توانست بر طبق روند عادی امور و تجربه زندگی تحصیل کند و تقلیل یافته و از دست رفته است را به عنوان خسارت قابل مطالبه دانسته که این خسارت نوعی خسارت عدم‌النفع است.^۱

سرانجام اینکه قانون مدنی طی مواد مختلفی از جمله مواد ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۹ و ۲۳۰ خسارت عدم‌النفع ناشی از عدم اجراء یا تأخیر در اجرای تعهدات را پیش‌بینی نموده است.^۲ به عبارت دیگر مسؤولیت جبران خسارت عدم‌النفع در شکل قراردادی منوط به تأخیر و یا عدم انجام تعهد است اعم از اینکه در عقد تصریح شده باشد و یا اینکه تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد لیکن مسؤولیت مبتنی بر ضمانات غیرقراردادی (قهری) نیز برای جبران تفویت منافع محقق چنانکه در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی آورده شده بدون اینکه شخصیت و اهلیت عامل تفویت منفعت تأثیری در تحقق زیان داشته باشد مانند صغیر و مجنون موجب مسؤولیت جبران خسارت تلقی گردیده است.

علی‌هذا چنانکه بیان گردید در حقوق موضوعه ایران مصادیق مختلفی از ضرر که تحت شمول عنوان عدم‌النفع مطرح می‌باشند پیش‌بینی شده است که معمولاً محاکم نیز در حکم به جبران خسارت عدم‌النفع بدانها استناد می‌نمایند هر چند که قانونگذار با عقب‌نشینی از موضع قبلی و ضرورت‌ها و مقتضیات کنونی در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آئین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ صراحتاً تحت تأثیر نظر مشهور فقها، مطالبه خسارت عدم‌النفع را ممنوع نموده و با نسخ صریح قانون آئین دادرسی سابق و ماده ۷۲۸ آن که قویترین مستند محاکم بود چگونگی و مشروعیت خسارت عدم‌النفع را با ابهام مواجه ساخته است لیکن جهت این امر بالحاظ اینکه ملاک تشخیص ضرر بودن امری عرف می‌باشد و عرف هم امروزه تردیدی ندارد که محروم شدن از منافعی که نوعاً و عادتاً حصولش مطمئن و معلوم است ضرر می‌باشد خصوصاً که بناء عقلاء نیز آن را تأیید می‌کند محل تأمل می‌باشد. به واقع به نظر می‌رسد حاق فحوائی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آیین دادرسی مدنی اخیرالتصویب منصرف از مقررات و سوابق موضوع عدم‌النفع نمی‌باشد و می‌توان با استفاده از اصول و قواعد تفسیری راه‌حل مناسبی برای اخذ ملاک از این

۱. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، دائرةالمعارف حقوقی، ج ۲، ص ۱۶۷، چ اول.

۲. دکتر سیدحسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۴۷، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، سال ۱۳۷۶.

مستند در توجیه عدم‌النفع ارائه نمود. هرچند که ظاهر عبارت تبصره یاد شده مطلق منافع را از منافع ممکن‌الحصول و محتمل‌الحصول را نفی نموده است لیکن بنا به قول برخی از صاحب‌نظران چنانچه اطلاق مزبور را نیز حمل بر صحت نماییم و انعقاد چنین ظهوری را مبتنی بر مقدمات حکمت بدانیم این امر با حکم بند دوم ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که صراحتاً مطالبه عدم‌النفع را تجویز نموده تعارض پیدا می‌کند و از آنجایی که نسخ کلی عملی خلاف اصل است لزوماً برای حل تعارض بین اطلاق موصوف و تقیید مذکور در آیین دادرسی کیفری اخیر التصویب به دلالت قاعده الجمع مهما امکان اولی من الطرح بایستی مطلق را بر مقید حمل و عبارت خسارت عدم‌النفع مندرج در تبصره یاد شده را بر منافع ممکن‌الحصول حمل نمود نه مطلق عدم‌النفع^۱ همچنین اگر که با توجه به قرائن موجود در مقررات مختلف اساساً مقدمات حکمت را برای شکل‌گیری اطلاق منتفی بدانیم حکم تبصره مزبور مطلق و تمام شامل تمام انواع عدم‌النفع نیست زیرا شرط ایجاد اطلاق فقدان قرائن و دلایل بر خروج برخی از انواع و افراد از حکم مطلق است تا بتوان ظهور اطلاق را مقدر دانست از سویی نیز دلیل و خصیصه‌ای که موجب تمایز و اختلاف بین مطالبه خسارت عدم‌النفع در امور کیفری و حقوقی باشد در هیچ یک از نظام‌های حقوقی و یا مبانی حقوقی و موضوعی عدم‌النفع مشهود نمی‌باشد و در حقوق اسلام نیز قواعد کلی لاضرر و تسبیب بدون تبعیض بین این موارد قائل به مسئولیت جبران ضرر می‌باشد بنابراین می‌توان با انصراف از اختلاف ظاهری بین قانون آئین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی مذکور منافع ممکن‌الحصول را قابل مطالبه دانست. و حسب قاعده وارد مورد اغلب با تفسیری موسع^۲ از اراده مقنن با توجه به سایر وجوه عدم‌النفع از قبیل خسارت تأخیر و یا جبران کاهش ارزش پول که آیین دادرسی مدنی و رویه متعارف در نظام حقوقی ما مطالبه آن را جایز دانسته؛ تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آیین دادرسی مدنی جدید را نیز برای مطالبه عدم‌النفع ممکن‌الحصول، معتبر و شامل تلقی می‌نمود.

با ملاحظه مبانی قوانین موضوعه و تعریفی که از ضرر ارائه شد هرگونه زیانی که در اثر از بین رفتن اعیان یا کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی و یا از بین رفتن منفعت

۱. دکتر سیامک ره‌پیک، مقاله خسارت عدم‌النفع - نظریات و مقررات، مجله دیدگاه‌های عمومی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، سال پنجم، شماره ۲۰ - ۱۹، صص ۳۵ و ۳۶.
 ۲. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۵، ص ۵۱۲، ج دوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.

مسلم و هرگونه حق مشروع اشخاص همچون اعتبارات محقق حاصل شود جبران آن ممکن می‌باشد لذا اینکه مسؤولیت سردفتر اسناد رسمی در این باره محدود به جبران خسارات مستقیم بوده و یا اینکه منافع محقق را نیز شامل می‌گردد می‌توان ادعا نمود علی‌رغم اطلاق قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ با لحاظ ماده ۲۲ قانون دفاتر اسناد رسمی که به نحو خاص حاکم بر فعالیت و مسؤولیتهای دفاتر اسناد رسمی است خسارت عدم‌النفع در مواردی که منفعتی مسلم و محقق در اثر تقصیر سردفتر فوت شود قابل مطالبه می‌باشد چنانکه فرضاً در اثر اشتباه سردفتر در تنظیم سند بیع یا اجاره به حقوق مشتری و یا مستأجر خدشه وارد شود می‌توان بر طبق اصول کلی حاکم بر مسؤولت مدنی و قانون خاص دفاتر که به نحو اطلاق مقرر داشته چنانچه سندی در اثر تقصیر یا تخلف آنها از قوانین و مقررات مربوطه بعضاً یا کلاً از اعتبار افتد و در نتیجه ضرری متوجه آن اشخاص شود علاوه بر مجازاتهای مقرر باید از عهده خسارت وارد برآیند، سردفتر را مسؤول جبران خسارات ناشی از عدم‌النفع نیز شناخت، خصوصاً که قریب به اتفاق حقوقدانان معاصر نیز تفویت منافع محقق را همچون مواردی که در اثر تقصیر یا تخلف سردفتر تحقیقاً حاصل می‌گردد را ضمان‌آور دانسته‌اند. چنان که قبلاً نیز متذکر گردید استاد دکتر ناصر کاتوزیان، تردید در ضرر بودن عدم‌النفع را امری مربوط به گذشته دانسته‌اند.^۱

نتیجه

بدیهی است مسؤولیت سردفتر ناشی از حکم ماده ۲۲ قانون دفاتر شامل تمام وظایف حرفه‌ای او طبق قوانین و مقررات می‌باشد که این وظایف و محدوده آن در مقررات مربوط بطور کامل پیش بینی شده است بنابر این صرف ورود خسارت ناشی از اجرای هر یک از وظایف او موجب مسؤولیت بوده و از این حیث نیز تفاوتی بین سوء نیت، تقصیر، بی احتیاطی و بی‌مبالاتی او نمی‌باشد و در هر مورد که سردفتر خساراتی را متوجه صاحبان سند نماید الزام به جبران خسارت خواهد داشت و نمی‌توان برای وظایف مختلف سردفتر هم چون وظیفه احراز هویت متعاملین، تنظیم و ثبت سند و تطبیق و بررسی اسناد و مدارک و سوابق مربوطه درجات مختلفی از مسؤولیت مدنی را جستجو نمود با اینکه

۱. دکتر ناصر کاتوزیان، ضمان قهری و مسؤولیت مدنی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۸، ص ۲۴۳.

سردفتر صرفاً بعضی از وظایف را شخصاً بر عهده داشته و اجرا می‌نماید لیکن در قوانین موجبی برای تفکیک موارد مسئولیت سردفتر مشهود نمی‌باشد و مسئولیت سردفتر در این باره مطلق و عام بوده و صرفاً در مواردی که مسئولیت ناشی از فعل غیر محقق گردد بنا به مفهوم واقعی مسئولیت، حق رجوع را به عامل اصلی زیان را خواهد داشت و علی‌الاصول اعتقاد به چنین حقی با عدالت و انصاف نیز نزدیکتر است و نمی‌توان کارکنان دفترخانه را به صرف مسئولیت سردفتر از مسئولیت شرعی و قانونی اعمال ناشایست و زیانبار شان معاف نمود.

نکته مهم دیگری که در بحث مسئولیت مدنی سردفتر تذکر و تحلیل آن ضرورت دارد چگونگی درج شرط عدم مسئولیت در اسناد رسمی است چنانکه در بعضی از اسناد خصوصاً اسناد قطعی غیر منقول و منقول این شرط قید می‌گردد و تاکنون نیز نظر مخالفی بر عدم موقع قانونی آن ابراز نشده است. اهمیت این موضوع ناظر به اسباب تقلیل مسئولیت سردفتر است اگر چه تراضی اشخاص بر نقض قانون و یا تعدی و بی‌اعتنایی به مقررات نافذ نیست و تأثیری در مسئولیت‌های قانونی سردفتر از حیث تعهد او به رعایت نظامات و مقررات ندارد اما نمی‌توان انکار نمود که تراضی اشخاص در این باره که خود اقدام به رفتار زیانبار می‌کنند نسبت به آنان بدون اثر بوده و مسقط حق مطالبه خسارت نمی‌باشد، لذا همانطور که قاعده اقدام اقتضاء می‌نماید درج چنین شرطی در اسناد منوط به علم و آگاهی افراد از شرط و آثار آن از اسباب مشروع اسقاط و یا تخفیف مسئولیت مدنی سردفتر اسناد رسمی می‌باشد. کما اینکه سایر اسباب سقوط ضمان نیز در مورد مسئولیت مدنی سردفتر شمول داشته و در فرض وجود چنین اسبابی با لحاظ قوانین کیفری و مدنی، مسئولیت مدنی سردفتر ساقط می‌گردد. ممکن است استدلال شود که قوانین مربوط به مسئولیت به دلیل ارتباط با نظم عمومی در زمره قوانین امری است و با قراردادهای خصوصی نمی‌توان از اجرای این قوانین اجتناب نمود لیکن این استدلال و ارتباط آن با نظم عمومی و ضمان قهری قاطع بنظر نمی‌رسد چون اگر زیان دیده پس از ورود آن اختیار ابراء دین را داشته باشد چرا این اختیار را نباید پیش از وارد خسارت برای او شناخت به علاوه مسئولیت‌های غیر قرار دادی (قهری) نیز ناظر به جبران خسارت خصوصی زیان دیده بوسیله تأدیه مبلغی پول است و از این حیث هیچگونه تفاوتی بین مسئولیت قرار دادی و غیر قرار دادی مشاهده نمی‌گردد و اجرای این امر با نظم عمومی نیز مخالفی

ندارد. لذا شرط عدم مسؤولیت جز در مواردی که نامشروع است مسقط تعهد جبران خسارت می‌باشد و زیان دیده حق مطالبه زیان مربوط را نخواهد داشت. اما درباره سایر موجبات سقوط ضمان اعم از اجبار، اکراه، غرور و اضطراب شاید بتوان تنها مورد اول را مسقط ضمان سردفتر محسوب نمود چنانکه سردفتر اسناد رسمی در اثر اجبار شدید شخص ثالث اسناد و مدارک مربوط به دیگری را به اجبار کننده تسلیم نماید نمی‌توان او را مستول قلمداد نمود اما نسبت به سایر وجوه موصوف دلیلی بر اسقاط ضمان سردفتر اتخاذ نمی‌شود.

از آنچه تاکنون گذشت آشکار گردید که سردفتر اسناد رسمی بر خلاف سایر اجزاء سازمان ثبت اسناد و املاک که آنها نیز عهده دار وظیفه ثبت املاک و اشخاص حقوقی و موسسات تجاری و... می‌باشند مسؤولیت‌های گسترده‌ای داشته و بلکه تنها حرفه موجود در جامعه است که بدون هر گونه تناسبی بین امکانات، مزایا و مسؤولیت‌های او، در قوانین مختلف مکلف به رعایت مقرراتی الزامی شده است.

اختلاف موجود بین سردفتر اسناد رسمی که علیرغم اتکای مستقیم به درآمد تحصیلی و کاهش هزینه‌های عمومی مسؤول جبران تمام زیانهای احتمالی مربوط به وظایف اداری خود بوده و کارکنان ثبت که فاقد مسؤولیت می‌باشند مبنی بر هیچگونه دلیل منطقی و یا مصلحت عقلایی نیست. تنها علتی که می‌توان از این اختلاف فاحش و غیر عادلانه استنباط نمود ارتباط اجزاء ثبت با تشکیلات اداری حکومتی است که باعث گردیده از امتیاز ویژه معافیت از مسؤولیت برخوردار شده و کمترین مسؤولیتی جز در موارد تقصیرات عمدی نسبت به وظایف محوله به عهده نداشته باشند. بنابر این اختلاف موجود در ضوابط حاکم بر دفاتر و ادارات ثبت که هر دو متصدی اجرای وظیفه‌ای واحد هستند فاقد و جاهت بوده و ضرورت بازنگری و تعدیل وجوه مسؤولیت سردفتر اسناد رسمی را بیش از پیش ثابت می‌نماید.

ثانیاً انحصار مسؤولیت سردفتر اسناد رسمی در حیطه دفترخانه مربوطه نیز با موازین عدالت و انصاف نیز سازگار نیست و از این حیث نیز این مسؤولیت امری استثنایی و غیر متعارف است. از یکسو سردفتر اسناد رسمی وسیله وصول حقوق ادارات و نهادهای متعددی هم چون، دارایی، شهرداری، آب، برق، گاز و... بوده بی آنکه در قبال اجرای

خدمات خود بجز مسئولیت انتظامی و مدنی بهره‌ای ببرد و از سوی دیگر نیز شخصاً متعهد تامین محل دفترخانه اعم از ملکی یا استیجاری، اسباب و لوازم دفتر، هزینه‌های جاری و حقوق و مزایا و بیمه کارکنان می‌باشد بدون اینکه کمکی دریافت نماید و یا از امیتازی برخوردار شود. آنچه که بیش از همه موجب تعجب است عدم مشارکت کارکنان و دفتربار دفترخانه در مسئولیت ابتدائی سردفتر اسناد رسمی است با آنکه آنان هرکدام مستقیماً از درآمد دفترخانه به میزان پانزده درصد بهره‌مند می‌گردند. معلوم نیست کارمند که از پانزده درصد درآمد دفترخانه علاوه بر حقوق مربوطه و مزایای جنبی نصیب می‌برد. چرایبستی در مسئولیت مدنی سردفتر حداقل به نسبت نصیب خود تا اثبات و تشخیص مقصر اصلی شراکت نداشته باشند. تفویض تمام مسؤولیتها به عهده سردفتر نوعی تکلیف به مالایطاق است و جز تجری کارکنان در مسئولیت پذیری حاصلی را بار نیآورده است. تفاوت فاحش بین مبلغ قیمت منطقه‌ای مندرج در اسناد قطعی غیرمنقول تنظیمی که براساس تعرفه منطقه‌ای برآورد گردیده و قیمت واقعی و عرفی املاک که ملاک تقویم در حبران خسارات محتمل توسط سردفتر اسناد رسمی می‌باشد نیز فاقد هرگونه دلیل منطقی و عقلی است و قرینه دیگری بر عدم تناسب بین حقوق قانونی و مبانی مسئولیت سردفتر است.

با لحاظ مراتب هیچگونه تناسبی بین امکانات و اختیارات و مسئولیت مطلق سردفتر وجود ندارد و تحمیل تکالیف و مسؤولیت‌های گسترده و نامحدود به سردفتر در بین تمام مشاغل تخصصی و حرفه‌ای موجود جامعه حالت استثنایی و ویژه دارد. بنابر این تداوم این وضعیت جز تزلزل موقعیت شغلی و لطمه به حقوق اجتماعی سردفتر نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت چنانکه حجم افزایش پرونده‌های انتظامی سردفتران نیز مؤید این ادعاست که در شرایط فعلی بالحاظ حجم روز افزون مسؤولیتها و تعدد و تنوع وظایف سردفتر و فزونی ناهنجاریهای اجتماعی و جرائم، ادامه وضع استثنایی سردفتر نه مطلوب بوده و نه در آینده ممکن خواهد بود.

لذا آنچه که می‌توان جهت تعدیل شرایط پیشنهاد نمود خارج از فروض ذیل متصور نیست.

اولیه

۲ - حذف کلیه مقررات دست و پا گیر و زائد در امر تنظیم و ثبت اسناد

۳ - تسهیم سردفتر در درآمد تحصیلی برای سازمانها و ادارات دیگر اعم از ثبت،

دارایی، شهرداری و غیره

۴ - تحدید مسؤولیت سردفتر به عنوان اجزاء ثبت اسناد به سوء نیت و تقصیر و تا

سقف معینی

۵ - مشارکت کارکنان و دفتر یار در مسؤولیت به نسبت نصیب آنان از درآمد دفترخانه

۶ - اسقاط مسؤولیت مدنی سردفتر در خسارتهای حاصل از قصور در انجام وظیفه و

تقبل مسؤولیت توسط سازمان ثبت در قبال خدمات سردفتر به سازمان مزبور

۷ - بیمه مسؤولیت سردفتر با مشارکت سازمان ثبت، کانون سردفتران و سردفتر

همان طور که از فحوی کلی بحث افاده می‌گردد تحولات عمیق و گسترده حاصل در

سطوح و جوانب موضوع مسؤولیت مدنی پیش از هر چیز متأثر از ظهور پدیده ماشینیسم و

آثار و تبعات اجتماعی و اقتصادی آنست و پیدایش تئوریهها و قواعد حقوقی مختلف زائیده

این ضرورت و پاسخی به این واقعیت خارجی است، اگر چه در بادی امر به نظر می‌رسد

گسترش روزافزون کمی و کیفی دامنه مسؤولیت و تنوع موارد آن و تسری به مواردی هم

چون عدم‌النفع خسارات معنوی و اقتصادی و جانی به منظور حمایت از منافع زیان دیدگان

امری مطلوب و مبتنی بر موازین عدل و انصاف است تا هیچ زیان دیده‌ای بنا حق متحمل

زیان نگردد و هیچ عامل‌زیانی نیز از مسؤولیت فراغت نداشته باشد اما این نظریه نیز

تأمین کننده عدالت واقعی نمی‌باشد و افرادی را که مشاغل و حرفه آنان ذاتاً متضمن

مخاطرات بیشتری از حیث آثار زیان‌بار است علی‌رغم تأثیر مثبت در روند تولید ثروت

اجتماعی، اشتغال و فعالیت سازنده متحمل مسؤولیت بیشتری گشته و بدون اینکه اجتماع

در قبال انتفاع از خدمات او نیز تعهدی متقابل داشته باشد حاصل این شیوه، عدم رغبت

صاحبان فکر و اندیشه در نوگرایی اسباب، ابزار و ماشین‌آلات جدید و تهوّر و جسارت ابداع

شیوه‌ها و روشهای نوین در استفاده از آنها در عرصه فعالیت اقتصادی است و عملاً

اجحافی ناروا در حق این گروه از فعالان و مولدان روا داشته و تبعاً نیز به رکود تلاشهای

اقتصادی شدت می‌بخشد.^۱ بنابراین با توجه به واقعیت موصوف، توسعه مفهوم تقصیر در برقراری مسئولیت و فرض مسئولیت بدون تقصیر سرانجام کسانی را که نقش بارز و عمده‌ای در اقتصاد جامعه بر عهده گرفته‌اند در معرض مسئولیت بیشتری قرار داده است. علی‌رغم اینکه از حیث رعایت احتیاط در انجام رفتار معقول و متعارف نیز مستحق مسئولیت جبران خسارات وارده به اشخاص نیستند. به سخنی دیگر این افراد به اعتبار حکومت قواعد حقوقی ناعادلانه در زمره زیان دیدگان نهایی قرار می‌گیرند بی آنکه چاره و تدبیری در تقلیل، تخفیف و یا رفع مسئولیت آنان اندیشیده شده باشد. بیمه پاسخی به این ضرورت است. که تبیین آن را با تفصیل بیشتری پی می‌گیریم.

بیمه مناسب‌ترین، کارآمدترین و مؤثرترین تکنیک و طریقه‌ای است که هم اکنون در کشورهای پیشرفته صنعتی جهت پوشش کاملتر مسئولیت جبران خسارات و انتقال بار مسئولیت از دوش فرد یا افراد معین به جامعه انتخاب گردیده است.

پوشش بیمه‌ای رایج در عرف حقوقی این کشورها موجب گردیده تا اولاً منافع زیان دیدگان بهتر تأمین شود و ثانیاً مسؤوّل حادثه زیان‌بار نیز در مواردی که خسارات ناشی از طبیعت فعالیت‌های اقتصادی دارای ریسک بالا به وجود می‌آید به تنهایی مسؤوّل قلمداد نشود و آثار نامطلوب مسئولیت مدنی صرفاً بر عهده فرد مسؤوّل حادثه قرار نگیرد و از فعالیت‌های اقتصادی و تلاش و کار نیز جلوگیری ننماید. به این ترتیب تحول مسئولیت مدنی و تأثیر متقابل بیمه مسئولیت را میسر ساخته است چون از سویی بیمه موجب پوشش کاملتری در جبران خسارت فراهم کرده و از سویی نیز اشخاص بنا به مخاطرات احتمالی فعالیت‌های خود به سمت بیمه مسئولیت خود گرایش پیدا کرده‌اند. چنانکه هم اکنون بیمه عنوان یکی از مؤثرترین ابزار جبران خسارت تا حدی حقوق مسئولیت مدنی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

اما واقعیت آن است که بیمه نیز علی‌رغم تأثیرات مثبت و مفید آن در کاهش مسئولیت و تأمین مطلوبتر منافع زیان دیدگان و تحویل مسئولیت فردی به جمعی کلیه

۱. از مقاله آقای دکتر ایرج بابایی، مندرج در ص ۶۹ و ۷۰ مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال سوم، شماره چهارم، بهار - تابستان ۱۳۸۰، مقاله مسئولیت مدنی و بیمه، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی.

اهداف مسؤولیت مدنی را محقق نمی‌سازد. چون پوشش بیمه موجب می‌گردد تا افراد با فراغ خاطر از مسؤولیت مدنی مرتکب بی‌مبالاتی و یا نقض هنجارهای اجتماعی شوند و هم‌چنین به جهت محدود و معین بودن سقف پوشش بیمه، خسارت کامل زیان دیدگان جبران نگردد.

بدین نحو حقوق مسؤولیت مدنی می‌تواند مکمل مناسبی برای نظام بیمه‌ای مستقیم و اجتماعی به شمار رود و یا درخصوص خسارات ناشی از جرایم عمدی که تحت پوشش بیمه قرار ندارد فرد مسؤول حادثه وظیفه جبران خسارت را به عهده داشته باشد با اینکه بیمه‌های اجتماعی و درمانی (حوادث ناشی از کار و زانندگی) و بیمه‌های مسؤولیت مدنی در بعضی از کشورهای پیشرفته تا حد زیادی جایگزین مسؤولیت مدنی گردیده است.

اما همان طور که گذشت چون بیمه کلیه خسارات را جبران نمی‌کند، لذا علی‌رغم رشد و توسعه بیمه‌های اجتماعی لزوم به کارگیری قواعد مسؤولیت مدنی همچنان محسوس و معمول می‌باشد. به واقع اگر چه بیمه تضمین آسان‌تر و کامل‌تری از امکان جبران خسارت زیان دیده است، اما به سبب عدم پوشش کامل انواع خسارات و یا محدودیت میزان و سقف بیمه و یا خلاصی بیمه‌گذار از تحمل بار مسؤولیت ناشی از سهل انگاری و خطای خود باعث بی‌احترامی و بی‌توجهی به حقوق، جان و اموال دیگران را نیز فراهم ساخته که با توجه به این واقعیات و جهت اجتناب از آثار سوء توسعه بیمه، وجود و حضور حقوق مسؤولیت مدنی در کنار بیمه به امری لازم و ضروری تبدیل شده است تا در مواردی که تحت شمول بیمه قرار ندارد (هم چون خسارات عمدی و یا خسارات ناشی از خطاهای سنگین بر حسب شرایط قرارداد بیمه) امکان جبران خسارات افراد متضرر فراهم شود و هم اینکه با تمهید چنین شرایطی بیمه‌گذار را به اتخاذ رفتار محتاطانه و رعایت هنجارهای اجتماعی ترغیب نماید. استفاده از تکنیک‌هایی هم چون افزایش حق بیمه افراد سهل انگار و غیر محتاط و یا امتناع شرکتهای بیمه از انعقاد قرارداد بیمه با افراد لابلایی نیز از جمله روش‌هایی است که جهت تقلیل آثار سوء بیمه به کار گرفته شده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که بیمه و حقوق مسؤولیت مدنی توأمأ در جبران خسارت و پاسداری از حقوق زیان دیده و عامل زیان مشارکت دارند و هیچ یک به تنهایی نمی‌تواند جایگاه دیگری را اشغال نماید.

لذا با توجه به مشابهت وضع خاص مسئولیت سردفتر اسناد رسمی که به تنهایی مخاطرات سنگین ناشی از خدمت اجتماعی و عمومی خود را به عهده داشته و فلسفه وجودی تأسیس بیمه و آثار مطلوب آن، ضرورت استفاده از روشهای بیمه‌ای جهت انتقال مسئولیت فردی به جمعی و تأمین شیوه مطلوب جبران خسارت احتمالی زیان دیدگان به واقعیتی انکارناپذیر نسبت به دارندگان این حرفه نیز تبدیل شده است. روشی که هم اکنون نیز در کشورهای پیشرفته معمول بوده و بیمه مسئولیت سردفتر را به صورت اجباری برقرار ساخته‌اند، حاصل درک چنین ضرورت و اهمیت و لزوم این اقدام است. بدیهی است در جامعه‌ای که ثبت اسناد و رسمیت اعمال و وقایع حقوقی اشخاص جزء لاینفک زندگی اجتماعی گردیده و امکان رشد و فعالیت اقتصادی و تنظیم و تثبیت روابط حقوقی ارتباط نزدیک و مؤثری با ارائه خدمات حرفه سردفتری پیدا کرده است خواه ناخواه موجبات بروز و ایراد خسارات به غیر را نیز فراهم می‌نماید و لذا اکتفاء به روش سنتی مسئولیت مدنی در جبران خسارت و انصراف از به کارگیری ابزار بیمه‌ای، منحصراً موجبات زیان بیشتر زیان دیدگان را به همراه خواهد داشت. بنابراین استفاده از پوشش بیمه در کنار مسئولیت مدنی علاوه بر حمایت بیشتر از حقوق خسارت دیدگان تأمین فراغت خاطر و آرامش روحی و روانی سردفتر را در پی داشته و مالاً نیز از تحمیل غیر عادلانه مسئولیت نهایی وظیفه‌ای اجتماعی به دوش سردفتر ممانعت می‌نماید.

آخرین نکته آنکه تغییر اسباب و میزان مسئولیت سردفتر اسناد رسمی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و تاخیر در اجرای این امر اثری جز تعمیق و تشدید این نقیصه نخواهد داشت. غفلت از این واقعیت موجب خواهد شد تا در آینده با افزایش قیمت اموال و تذمر سردفتر به سبب عدم تمکن مالی، موقعیت حرفه‌ای این شغل در معرض آسیب جدی واقع شده و عملاً نیز امکان استیفای حقوق مشروع متضررین ناشی از تقصیر و قصور سردفتر در اجرای وظایف مربوطه از دست رود. بنابراین اصلاح مقررات و برقراری بیمه مسئولیت سردفتر امری لازم بوده و مصالح اجتماعی اقتضاء دارد هم چون مسئولیت قاضی در قانون اساسی مسئولیت سردفتر نیز تفکیک گردد و با پوشش بیمه‌ای مناسب فراغت خاطر و تأمین اجتماعی لازم را برای طرفین مسئولیت مدنی ناشی از وظایف شغلی سردفتر را فراهم ساخت.